

مرجع تمیزی حکام اصلاحیه

استینافی دیگری ارجاع و امر بر رسیدگی در ماهیت دعوا را در محکمه مرجوعه دهد

واز جهة مصالح مقتضیه دو قسم محکمه بدوی تشکیل شده صلاحیه و ابتدائی و دعاوی از جهة تقسیم محاکم بدوی صلاحیه و ابتدائی منقسم بدو نوع میشود، یکسلسله دعاوی که بموجب ماده (۸) ح مشتمل بر (۱۰) مورد است صلاحیت و رسیدگی به آنها مخصوص صلاحیه است و از این جهت محاکم بعمومی و اختصاصی تقسیم میشود. و دعاوی را که قانون مخصوص به بعضی محاکم قرارداد در محکمه دیگری بعنوان بدوی رسیدگی ممنوع است از قبیل دعاوی که مخصوص محاضر شرع انور یا محاکم نظامی یا مالی است و سوای موارد استثنائی کلیه دعاوی در صلاحیت ابتدائی است. صلاحیه هم بدلیح ناحیه و محکمه صلاحیه منقسم است و حدود صلاحیت صالح ناحیه که بموجب ماده (۲۲) اصلاحی تشکیلات یکی از شعبات محکمه صلاحیه بشمار میرود (۵۰) تومان است و احکام صالح ناحیه نسبت به مدعی به که در حدود نصاب مذکور است قطعی (غیر قابل استیناف و تمیز) است و نظر به مصالح مقتضیه و اصل تعدد مراتب محاکم بموجب ماده (۶) ح دعاوی که در حدود نصاب و مرحمت محاکم پائین تر است قبل از طرح در محکمه مذکور حق رسیدگی ماهیتی در محکمه بالاتر ندارد و نظر به مصالحی قاضی محکمه ابتدائی را مرجع استینافی و محکمه استینافی را مرجع رسیدگی تمیزی احکام صلاحیه یا احکام استینافی ابتدائی قرار داده و ماده (۱۵) (ت) راجع بر رسیدگی تمیزی احکام محاکم صالح و احکام استینافی ابتدائی مقرر داشته (مرجع رسیدگی تمیزی بدعاوی مذکور محکمه استیناف است که در صورت نقض خود رسیدگی میکند)

عظمت حق در نظر قانون موجب تشکیل محاکم متعدد است که بموجب ماده (۵) ح برای کلیه دعاوی حقوقی باستثناء موارد معینی حق رسیدگی در دو مرحله (بدوی و استینافی) موجود است که پس از جریان يك دعوا و رسیدگی بماهیت آن در دو مرحله احکام مشروح در ماده (۳۱۹) ش پس از ختم دو مرحله اول (بدوی و استینافی) بابت بازرسی و تحقیق از صحت حکم مراحل مذکور در دیوان عالی تمیز هم مطرح شده که در صورت صحت حکم بدوی (در موردیکه بسبب انقضاء مدت استیناف نشده) یا استینافی را ابرام و الا نقض مینماید بنابراین سه محکمه برای رسیدگی يك دعوا تشکیل شده و هر دعوائی را اول محکمه بدوی (اعم از صلاحیه و ابتدائی) رسیدگی کرده و برای تفحص از صحت حکم بدوی با تشریفات قانونی حق رسیدگی در محکمه استیناف با ملاحظه قوانین مربوطه برقرار است که محکمه مذکور داخل در ماهیت دعوا شده در صورتیکه حکم بدوی را مطابق با واقع و جریانات قانونی تشخیص داد حکم بدوی را تأیید و در مواقعی اصلاح می نماید و در صورتیکه حکم بدوی را مخالف با واقع یا جهتی از جهات قانونی که موثر در حکم و دعواست تشخیص دهد حکم بدوی را فسخ و حکمی مطابق با قانونیکه منشأ فسخ تشخیص داده صادر مینماید. و پس از جریان استینافی یا انقضاء مدت حق استیناف دعوائی مذکور حق طرح در دیوان عالی تمیز دارد. و تمیز داخل در ماهیت دعوا نشده بلکه پس از تدقیق کامل در اسناد و پرونده دعوا اگر حکم بدوی (در صورتیکه استیناف نشده) یا استینافی را مطابق با واقع و قوانین تشخیص داد حکم مذکور را ابرام (اعلام بصحت و تنفیذ حکم) و الا نقض مینماید و در صورتیکه نقض کند باستثناء مواردیکه در قانون تعیین شده حق رسیدگی ماهیتی ندارد بلکه پرونده را با دلیل نقض بضمیمه یا محکمه

این رسیدگی برخلاف منطوق و فلسفه تشکیل تعدد مراتب محاکم بظنر میرسد چون اگر محکمه استینافی نسبت باحکام صلاحیه سمت تمیزی دارد . وظیفه تمیز عدم دخول در ماهیت دعواست و در این صورت مخالف با اصل متخذ در تمیز رفتار شده و محکمه مذکور بر خلاف رویه و صلاحیت ذاتی دیوان تمیز داخل در ماهیت دعوا گردیده و فلسفه تعدد مراتب در محاکم از نقطه نظر کشف حقیقت است و تأمین این فلسفه نه فقط در تشکیل تعدد مراتب محاکم است که یک دعوا برای ثبوت حق مکرراً رسیدگی شود . بلکه حفظ از خطا و اتقان در صحت حکم و احقاقی حقیق و اقمی موجب این است که یک دعوا مکرراً در محاکم متعددی رسیدگی شود . و از طرفی هم استلافات بشر در امور نفسانی و حالات روحی و کلیه و دایمی که مبده حیات در نهاد بشر ایجاد فرموده از قبیل مشاعر و مدارک بیش از اختلافات در شکل ظاهریه است همان قسم که در افراد بشر دو نفر در شکل و امور مادی شبیه بهم یافت نمیشود در حالات نفسانی و امور معنوی هم بیک درجه و شباهت ندارند بنا براین اگر یک محکمه نقض حکم محکمه دیگر برقرار مقرر و اعلام داشت مسلماً برخلاف نظر و حکم محکمه مذکوره را در نظر میگیرد ، چه (سواى عقیده جمعی از معتزله) چیزی بین نفی و اثبات و فاصله هائی بین آنها قابل تصور نیست و اگر بنا باشد همان محکمه که نقض کرده رسیدگی کند بر طبق رأی خود که منشاء نقض حکم اول است حکم خواهد داد ، و اصل تشکیل تمیز در نقض حکم محکمه برای اعلام فساد حکم است نه برای انشاء حکم بعلاوه ممکن است محکمه مذکوره که پس از نقض رسیدگی میکند مورد اتهام که منافی شئون محاکم است واقع شود ، چه جای این است که گفته شود محکمه استیناف که بعنوان تمیزی رسیدگی میکند در نقض حکم محکمه صلح یا استینافی ابتدائی ذی نظر و مقهور مناسبات خارجی یا مغلوب شهوات نفسانی است و از لحاظ آنکه اگر حکم بدویرا نقض نماید خود رسیدگی کرده و اگر برخلاف

حقی هم حکم نماید بموجب جمله اخیر ماده مذکور حکم او قابل تمیز نیست که اگر رسیدگی نکند و با سهوات مبادرت بصورت نقض و انشاء حکم نموده یا برای تأمین شهوات نفسانی در رسیدگی خود برخلاف حق حکم دهد بنا براین فلسفه مقتضی است که ماده مذکور باین نحو اصلاح شود (مرجع تمیزی احکامیکه ذاتاً در صلاحیت صلاحیه و از صلاحیه یا ابتدائی استینافاً صادر شده محکمه استینافی است که در صورت نقض ارجاع بشبه یا ابتدائی دیگر نماید) چه در این صورت عنوان تمیزی که فقط صلاحیت برای تفحص از صحت حکم دارد و در این صورت ابرام و الانقض کنند تأمین شده و از اشکالی که یک محکمه در حکمی که سمت تمیزی دارد در همان حکم با جمیع مشخصات سمت استینافی داشته باشد دوچار نخواهیم شد چه اگر این محکمه استیناف که سمت تمیزی دارد محکمه تمیز است نسبت باحکام استینافی ابتدائی چرا خود رسیدگی میکند و اگر محکمه استیناف است چرا نبایستی حکمش قابل تمیز باشد و در این صورت علاوه بر امکان اتهام دوچار محذورات دیگر هم خواهیم شد که کوچکترین آنها وجود محکمه ثالث است .

و اگر رسیدگی محکمه استیناف که سمت تمیزی دارد از جمله استثناء است که طبق مقررات قانون دیوان تمیز داخل در ماهیت دعوا میشود چنانچه رسیدگی ثانوی در یک محکمه ممنوع است با استثناء موارد اعاده محاکمه و اعتراض علاوه از آنکه فلسفه و مصالح مقتضی است که قائل با استثناء مذکور نشویم در موارد اعاده محاکمه قانون رسیدگی اول را کان لم یکن فرض کرده و در مورد اعتراض رسیدگی اول خاتمه پیدا نکرده و رسیدگی پس از اعتراض برای تکمیل ادله و جریان محاکمه است و اگر گفته شود که چون دعوی صلاحیه از حیث نصاب اهمیتى ندارد لهذا در محکمه استیناف که در تحت رأی قضات متعدد تمیز رسیدگی میشود تصور خطایای عالی خارجی کمتر می رود و بنا بر این مانعی ندارد که همان محکمه که بعنوان تمیزی رسیدگی و حکم ابتدائی را نقض

نموده رسیدگی در ماهیت دعوا نماید و حکم دهد این ایراد چنانچه ذکر شد وارد نیست. چه اهمیت مدعا به ودعوانسبت باشخاص متفاوت است چه بسا یکصد تومان اهمیتش در نظر مدعی یا مدعی علیه بیش از دو هزار تومان در نظر شخص ثروتمند است. و قانون و محاکم بایستی ناظر بحیثیت حق باشد نه بمدعا به خارجی لهذا در نظر اسلام که مبدء تمام احکام است حکم قطع بدسارق داده شده ولو برای نیم دینار و ماده ۹۵ قانون مجازات بر کسی که يك شاهى سکه قلب زده باشد اجرا خواهد شد. این از جهة عظمت حق است نه از جهة اهمیت مدعا به و روی همین اصل جمیع بزرگان دنیا عناوین خارجه اشخاص را در مقابل حق و مقام محاکمه ملاحظه نموده و قانون هم در اصل (۸) متمم قانون اساسی متعرض است که جمیع افراد از شریف و وضع در نظر قانون بایستی متساوی باشند. یعنی نظر قانون و قاضی به حقیقت امر باشد نه در تحت تأثیر عناوین ظاهریه این است که در قانون اسلام بزرگ نمائی در مقابل وضع محاکمه و محکوم میشود. ببلاره صلاحیت صلاحیه فقط در وجوه نقد یا شبه نقد نیست. بلکه چنانچه در بند (۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹) ماده (۸ ح) مدعا به ملازمه با وجه نقد ندارد. دیگر آنکه یکی از موارد رسیدگی صلاحیه بند (۱۰ ماده ۸ ح) میباشد اگر فرض شود که نسبت بمدعا به که از صلاحیت ابتدائی است بتراضی طرفین طبق بند مذکور در صلاحیه مطرح شود و از حکم محکمه مذکور استیناف و تمیز داده شود استیناف و تمیز چنین حکمی در چه محکمه خواهد شد آیا استینافی آن در ابتدائی و تمیزی آن در محکمه استیناف است یا در دیوان عالی تمیز اگر بگوئیم استینافی آن در ابتدائی است معنی قانون این میشود که (هر دعوائیرا که صلاحیه حکم دهد ابتدائی مرجع استینافی و مرجع تمیزی آن استیناف است) و در این معنی بی جهت سلب حق از طرفین دعوا شده که از رسیدگی و رای تمیز و استیناف که بیشتر بواقع نزدیک و بهتر بحقیقت اصابه میکند محروم

شوند. و اگر بگوئیم استینافی آن در محکمه استیناف و تمیزی آن در تمیز بعمل میاید با چه دلیل از کدام نص قانون استنباط میشود و در این صورت اشکال مذکور فوق بیشتر متوجه است چه از حیث مدعا به هم قابل اهمیت است و تمیز آچنین حکم با اهمیتی در نظر قانون در استیناف واقع شده و رسیدگی ثانوی هم در همان محکمه که تمیزاً نقض کرده بعنوان استینافی بعمل آمده. و بر فرض قانون بمیزان مدعا به از حیث زیادی و کمی نظر داشته باشد همین فرق کافی است که احکام صلاحیه در ابتدائی استینافاً در استیناف تمیزاً رسیدگی شود. و همچنین در محلها لیکه ابتدائی تشکیل نشده و صلاحیه طبق ماده ۱۸ تشکیلات رسیدگی به بیش از میزان صلاحیه مینماید مرجع استینافی و تمیزی احکام مذکور در کجا خواهد شد. آیا میشود بجرم ضیق ادارات و عدم تشکیل ابتدائی متداعیین را از صحت عمل تمیز محروم نمود و آنها را مجبور کرد که چون دعاوی شمار صلاحیه مطرح بوده استینافی آن در محکمه ابتدائی و تمیزی آن در استیناف که پس از نقض خود رسیدگی میکند بایستی باشد.

و اگر همان قسم که مطابق ماده (۲۰) تشکیلات ابتدائی از جهة نبودن صلاحیه بدعاوی صلاحیه رسیدگی میکند و مطابق تبصره ماده ۲۳ تشکیلات استینافی آن در ابتدائی دیگری میشود نه در همان ابتدائی که بدو رسیدگی کرده نسبت بتمیزی احکام صلاحیه که در استیناف میشود در صورت نقض استینافی دیگری رسیدگی کند بهتر بنظر میرسد. شاید گفته شود که نظر قانون در تجویز رسیدگی ثانوی همان محکمه استینافی که تمیز آرسیدگی کرده این است که اگر بشبه با محکمه استیناف ثانوی مراجعه شود ممکن است حکم ابتدائی را بر خلاف نقض استیناف اول تأیید نماید در این صورت علاوه از آنکه وحدت نظر نشده اگر مجدداً بمحکمه استیناف که تمیز آرسیدگی کرده مرجوع شود و محکمه مذکور مجدداً حکم ابتدائی را که استیناف دوم تأیید نموده نقض کند.

این نقض ثانوی اگر لازم الاتباع برای محاکم استینافی باشد با استقلال احکام و آراء محاکم خلل وارد آمده و لازم میاید حکم يك محکمه برای محکمه هم درجه خود لازم الاتباع باشد چنانچه در نقض ثانوی دیوان تمیز لازم الاتباع برای محکمه استینافی مرجوعه است و اگر لازم الاتباع نباشد علاوه از آنکه تکلیف چنین حکمی معین نیست اختلال و بی نظمی در آراء محاکم تولید میگردد و در این زمینه اجراء حکم دچار محذورالینهای میشود ولی اگر همان محکمه که تمیزاً رسیدگی کرده و حکم بدویرا نقض نموده خود رسیدگی کند چون بموجب نقضی که کرده برخلاف ابتدائی حکم خواهد داد و این حکم از تزلزل و تشتت احکام در موضوع واحد جلوگیری مینماید .

این اشکال طبق ماده (۱۶) تسریع مرتفع است چه در این صورت مدعی العموم تمیز برای حفاظت قانون تقاضای تمیز نموده و رأی دیوان عالی را بمعموم محاکم ابلاغ مینماید . بلاوه ممکن است اختیارات متداعیین را در این مرحله توسعه دهیم که پس از رسیدگی ثانوی استیناف در صورتیکه مخالفت با حکمیکه تمیزاً از استیناف اول صادر شده بدیوان عالی برای حکم نهائی مراجعه نمایند و ممکن است حکم شعبه یا محکمه مرجوعه را قطعی و غیرقابل تمیز قرار دهیم چه در واقع حکم مذکور از يك محکمه ابتدائی و يك محکمه استیناف که پس از نقض از محکمه هم درجه صادر شده عادتاً قابل اطمینان و اساسی تر بنظر میرسد . و در زمینه اصلاح تشکیلات

عدلیه اگر این نحو اصلاح و مقرر شود بهتر بنظر میرسد چه با وضع تعدد مراتب محاکم و مصالح مقتضیه توأم است که يك شعبه از هر محکمه ابتدائی در تمام قلمرو کشور کسر کرده و يك شعبه در هر محکمه استینافی مخصوص مرجعیت استینافی احکام صالحیه زیاد شود و يك شعبه مخصوص مرجعیت تمیزی تمام شعبات مذکوره در دیوان عالی تشکیل گردد . و احکام صالحیه رأساً بدون مداخله ابتدائی در شعبه مذکور استیناف استینافاً رسیدگی شده و رسیدگی تمیزی حکم صادره از شعبات مذکوره در شعبه مخصوص تمیز واقع شود و در مواقهیکه شعبه دیوان تمیز حکم شعبه استیناف را نقض نمود شعبه محکمه استیناف دیگری ارجاع نماید و در صورتیکه شعبه ثانوی رویه شعبه اول را اتخاذ کرد و در تمیز ثانوی مطرح شد حکم تمیز لازم الاتباع برای شعبات استینافی کشور باشد و ممکن است شعبه تمیزی مذکور را بعهده محکمه انتظامی که بموجب قانون مصوب (۳۰۹۱۲) يك شعبه تمیز محسوب میشود واگذار نمود . این رویه علاوه از آنکه از تداخل محاکم جلوگیری نموده و يك نوع انتظام و با اساس تعدد مراتب محاکم موافق است از نقطه اقتصاد هم باقیمت خواهد شد . و قید (ذاتاً در صلاحیت صالحیه) در جمله پیش نهادی برای اصلاح موجب این است که مرجع تمیزی بند (۱۰ ماده ۸ ح) و مفاد ماده (۱۸ تشکیلات) در دیوان تمیز بشود .